

## نگاه بازنگر

گفت‌وگو با اما استون و ویلم دفو درباره‌ی فیلم «انواع مهربانی»

# یک فیلم متهورانه، جسورانه و درخشان

«انواع مهربانی» یورگوس لانتیموس احتمالاً یکی از جسورانه‌ترین فیلم‌های حرفه‌ای اوست که سبک منحصربه‌فرد او را به نمایش می‌گذارد. این فیلم در طول دو ساعت و ۴۵ دقیقه، پوچ بودن را با احساسات عمیق انسانی ترکیب می‌کند و طنز سیاه و عناصر سورئال را به نمایش می‌گذارد.

«انواع مهربانی» که به‌عنوان یک «آنتولوژی سه‌گانه» معرفی می‌شود گلچینی است که از سه داستان به هم پیوسته: یکی، داستان مردی بدون انتخاب که سعی می‌کند کنترل زندگی خود را به دست بگیرد، یکی دیگر، پلیسی که نگران است همسر گمشده‌اش که به خانه بازگشته، فرد دیگری است و سوم، زنی که مصمم است شخصی خاص با توانایی ویژه را بیابد که مقدر شده است یک رهبر معنوی شگرف شود.

هر یک از بازیگران فیلم از جمله اما استون، جسی پلمنز، ویلم دفو، مارگارت کوالی، هونگ چاو، جو آلیون و مامودو آتی، در سه شخصیت بسیار متفاوت (حتی برخی چهار شخصیت) بازی می‌کنند که تطبیق‌پذیری و مهارت‌های بازیگری خود را در طول فیلم نشان می‌دهند.

ویلم دفو در پاسخ به این سوال که آیا داستان مورد علاقه‌اش در این سه داستان وجود دارد، پاسخ می‌دهد: «منی خواهم‌بگویم چون در برابر داشتن ترجیحات مقاومت می‌کنم.» از سوی دیگر، استون می‌گوید که انتخاب از میان آن‌ها «سخت» است. او می‌گوید: «اما این حس نیز تغییر می‌کند. من فیلم را در چندین بار دیده‌ام و یک‌بار واقعاً یکی را دوست داشتم، سپس در حال و هوای دیگر و مکانی متفاوت، واقعاً جذب یکی دیگر شدم. بنابراین انتخاب بخش مورد علاقه سخت است.»

«انواع مهربانی» اولین نمایش جهانی خود را در سال ۲۰۲۴ داشت که با تحسین منتقدان روبه‌رو شد. همچنین نه یک‌بار، بلکه دو بار باعث هیاهوی آنلاین شد: صحنه‌ای از رقص استون با آهنگ «برند نیویج» اثر خواننده‌ی سسوندی کبرا، که از تریلر فیلم گرفته شده بود، در اینترنت پخش شد و صدها میلیون بازدید در تیک‌تاک، اینستاگرام و ایکس به دست آورد و کلی طرفدار پیدا کرد. او درباره‌ی صحنه‌ای که کاملاً بداهه ساخته شد، می‌گوید: «منی دانستم که قرار است از آن برای یک تیزر تریلر



استفاده کنند. بنابراین انتظار نداشتیم که آن قدر سروردا کند و دیده شود.» لحظه‌ی دیگر که در فضای مجازی سروصدا کرد، میمی بود که آلیون در اینستاگرام پست کرد و شخصیت خود و استون را با دو گرهبه‌ی چشم آبی و با چشمان بسیار بزرگ مقایسه کرد. استون درباره‌ی این عکس می‌گوید: «من آن را قبلاً دیده و کلی به این عکس خندیده بودم. بعد او فکر کرد که عکس خیلی بامزه‌ای است و آن را در اینستاگرامش پست کرد.» «انواع مهربانی» چهارمین همکاری استون با لانتیموس و دومین همکاری ویلم دفو با این کارگردان است. استون پیش از این با این فیلمساز در «سوگلی»، فیلم کوتاه «بلیت» و «بیچارگان» همکاری کرده بود، در حالی که دفو نقش مکمل را در فیلم آخر ایفا کرد. دفو می‌گوید: «ما عاشق این هستیم که کنار او باشیم. من کارش را دوست دارم. او آدم‌های بی‌نظیری را وارد پروژه می‌کند. وقتی سر صحنه با او هستیم در کنار او، خیلی خوشحالم. قطعاً کار کردن با اما استون یک مزیت عالی است.» استون تأیید می‌کند و می‌گوید: «منی توانم چیزی بهتر از آنچه ویلم گفت بگویم. این دقیقاً احساسی است که دارم. تو به سمت کسی کشیده می‌شوی، چون کارهایش را دوست داری، طوری که روی صحنه رفتار می‌کند را دوست داری. من چنین تجربه‌ی عالی‌ای را در سوگلی داشتم. واقعاً احساس پیوند با بازیگران و عوامل داشتم. یاد می‌آید مردم وقتی ما در حال تبلیغ «بیچارگان» بودیم ما را می‌دیدند. یکی از دوستانتان مارک روفالوو، ویلم دفو، رامی یوسف و من را باهم دید و آن‌ها گفتند که این چه نوع گروهی است؟ شما برای کار به اینجا نیامده‌اید! واقعیت این است که ما عاشق هم هستیم و احساس نزدیکی می‌کنیم. داشتن چنین انرژی در مجموعه فیلم واقعاً به شما احساس شادی و زنده بودن می‌دهد و بسیار الهام‌بخش است. فکر می‌کنم وقتی آن سطح از اعتماد را احساس می‌کنید، می‌توانید کار بهتری انجام دهید. این مانند تئاتر است.» «انواع مهربانی» که توسط لانتیموس و اکتیمیس فیلیپو که چندبار باهم همکاری داشته‌اند، نوشته شده است، هنجارهای اجتماعی را نیز به چالش می‌کشد و پیچیدگی‌های روابط انسانی را بررسی می‌کند، که همگی از فینلر نگاه‌ی متهورانه و جسورانه عبور می‌کنند که تماشاگران را هم‌زمان ناآرام و مجذوب نگاه جسورانه و متهورانه‌اش می‌کند. درست مانند فیلم‌های قبلی لانتیموس و فیلیپو به‌ویژه «دندان نیش»، «خرچنگ» و «کشتن گوزن مقدس» هضم این فیلم ممکن است برای مخاطبان سخت باشد و ممکن است برای درک واقعی، تماشاگران نیاز به چندبار دیدن آن داشته باشند؛ برخلاف «سوگلی» و «بیچارگان» که هر دویشان در مقایسه بسیار قابل فهم‌تر هستند. با این حال برای دفو و استون، پوچ بودن و جسارت فیلمنامه هرگز قبل از فیلمبرداری یا در طول فیلمبرداری مطرح نبوده است.

دفو می‌گوید: «هروقت فیلمنامه‌ای را می‌خوانم، همیشه می‌گویم: من با این چه کار دارم؟ آیا می‌خواهم این کار را انجام دهم؟ برایم جالب است؟ آیا چیزی است که با آن کاملاً آشنا هستم یا چیزی است که خیلی از من دور است و می‌خواهم در موردش چیزی یاد بگیرم؟ اگر بیش از حد در مورد یک شخصیت یا یک فیلمنامه پیش‌بینی کنید، ممکن است خودانگیختگی و هیجان ناشی از کشف در طول فرآیند خلاقیت را از دست بدهید. بنابراین خوب است که گاهی اوقات کمی احمق باشید. به این معنی که گاهی اوقات نزدیک شدن به یک نقش بدون فکر کردن به آن سودمند است. در حالی که یک فیلمنامه خوب مهم است، زمینه‌ای که فیلمنامه در آن زنده می‌شود - مانند افراد درگیر و محیط - نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌ام دارد. در نهایت من با چیزی که هیجان‌زده‌ام می‌کند، پیش می‌روم و به آن هیجان اولیه اجازه می‌دهم که مرا هدایت کند.»

فیلم «بیچارگان»، من سر صحنه‌ی فیلمبرداری عکس‌هایی می‌گرفتم. بعد از فیلمبرداری من و اما استون باهم نگاتیوها را توسعه می‌دادیم. این راهی برای ما شد تا بعد از یک‌روز پر مشغله‌ی فیلمبرداری کمی استراحت کنیم.»

از لانتیموس پرسیدم که رابطه‌ی سازنده‌اش را با اما استون توضیح دهد و اینکه چطور آخرین پروژه‌شان «انواع مهربانی» شکل گرفت.

او تأیید می‌کند: «تمام آن فیلمبرداری شد و ما شروع به تدوین کردیم. آن فیلمی معاصر است که در آمریکا فیلمبرداری شد. سه داستان متفاوت دارد، با چهار یا پنج بازیگری که هر کدام یک بخش را در هر داستان ایفا می‌کنند. بنابراین تمام آن‌ها در هر سه بخش بازی می‌کنند. این کار تقریباً شبیه ساختن سه فیلم بود. اما باهم کار کردن دوباره با اما استون عالی بود. کار با داشتن کسی که خیلی به شما اعتماد دارد و شما هم به او اعتماد دارید بسیار آسان‌تر می‌شود.»

با توصیف روش‌های انتخاب بازیگران به‌عنوان «خیلی شهودی» لانتیموس اولین ملاقاتش را با اما استون به یاد می‌آورد که بلافاصله فهمید که آن‌ها می‌توانند با هم کار کنند. «فکر می‌کردم که او چیزی بسیار خاص دارد. کارهایی که او عالی خواهد بود. او «خرچنگ» و «دندان نیش» را دیده بود و گفت: کاری را که می‌کنی دوست دارم، پس بیا شروع کنیم. او آماده است هر کاری که برای پیشبرد کارها لازم است را انجام دهد و غیر از این که بازیگری خارق‌العاده است، می‌تواند با کسی که بدون این که توضیحی به او داده باشی، بدون استفاده از کلمات زیاد ارتباط برقرار کند. خیلی راحت همه چیز را می‌گیرد.»

این نوع صمیمیت سازنده، برای «بیچارگان» ضروری است. به‌ویژه به این دلیل که نقش اصلی بلا یکسری چالش‌های آشکار را برای بازیگر ایجاد می‌کند.

«واقعاً. اما زمانی که ما «بیچارگان» را ساختیم، قبلیش «سوگلی» را ساخته بودیم و با هم دوست شده بودیم و بعد فیلم صامت کوتاه «بلیت» را در یونان برای اپرای ملی یونان ساختیم. این تجربه‌ای خاص بود زیرا «اما» به یونان آمد و به جزیره‌ای رفت. این کار ما یاد می‌دهد که فیلم‌های اولیه را در یونان می‌ساختیم انداخت.»

اما استون که سه بار نامزد جایزه‌ی اسکار شده (برنده‌ی بهترین بازیگر برای «لالاند» شد)، از قرار معلوم بالاترین دستمزد در میان بازیگران زن در سال ۲۰۱۷ داشت. با این حال به گفته‌ی لانتیموس، اما پروژه‌های پرشور کوچک‌تر را به فیلم‌های بزرگ هالیوود ترجیح می‌دهد. او به یاد می‌آورد:

«با «بلیت»، ما یک گروه ۱۰ نفره‌ی عوامل را در یک جزیره در زمستان داشتیم و از دنیای بیرون جدا شده بودیم. فقط ما بودیم. اما حتی پرسید: چرا نمی‌توانیم همه‌ی فیلم‌ها را این‌طور بسازیم؟ چرا ما مجبوریم این همه آدم اطرافمان داشته باشیم؟ من فقط می‌خواهم اینجا باشم، من و شما و دوربین و کسانی که واقعاً بودن‌شان ضروری است و فقط فیلم را بسازیم؛ فیلمی صمیمانه. من گفتم: از وقتی که شروع به ساخت فیلم‌های انگلیسی‌زبان کردم واقعاً مشتاق این کار بودم! همیشه می‌گویم که به تمام این آدم‌ها نیازی نداریم و واقعیت این است که در فیلم «بیچارگان» ما توانستیم چندبار این کار را نکنیم. من به رویی ریان فیلمبردار گفتم: می‌دانم که این صحنه‌های بزرگ وجود دارد و صدها نفر در اطراف خواهند بود، اما چرا چراغ‌ها را از سقف آویزان نکنیم، سپس همه را بیرون نفرستیم. در را ببندید تا فقط ما در اتاق باشیم. اگر به کسی نیاز داشتیم، با آن‌ها تماس می‌گیریم. آن‌ها بیرون در هستند - اما بیایید دوباره این موقعیت صمیمی را ایجاد کنیم و این کاری است که ما انجام دادیم.»

صحت ما به جرسکین فندرکس، آهنگساز بریتانیایی نامزد گلدن گلوب، می‌رسد که موسیقی مهیج و جذاب را برای «بیچارگان» خلق کرد. وقتی لانتیموس آلبوم «سفر زمستانی» ۲۰۲۰ را شنید، احساس کرد که نیمه‌ی گمشده‌ی خلاق دیگرش را کشف کرده است. «در کار او صداهای بسیار متفاوت و احساس‌های بسیار مختلفی وجود دارد. طنز وجود دارد، ملودرام وجود دارد. بازیگوش است، خودش را خیلی جدی نمی‌گیرد، اما در مواقع لزوم می‌تواند جدی باشد. من این صدا را بسیار خاص و زیبا یافتم. فقط احساس کردم چیزی در روح آن وجود دارد که به‌نوعی در دنیای فیلم «بیچارگان» جا می‌شود. وقتی آلبوم را برای اما گذاشتم، او گفت مثل این است که همه چیز در سر شما به موسیقی تبدیل شده است.» از او می‌پرسیم که کدامیک از فیلم‌هایش را بیشتر دوست دارد؟

«آن‌ها همه به‌جای بغرنجی هستند و همگی به طرق متفاوتی، پیچیده و مسئله‌دارند.»

و این که آیا آن‌ها را دوباره نگاه می‌کند؟ «این کار را چندسال پیش کردم؛ طی دوران اپیدمی فکر کردم نگاهی به آن‌ها بکنم که ببینم چه کرده‌ام. «سوگلی»، «دندان نیش» و «کشتن گوزن مقدس» به‌شکل خوشایندی شگفت‌زده شدم.»

چطور؟ «می‌خندد: «فکر می‌کردم آن‌ها بدتر هستند! وقتی آن‌ها را دیدم، گفتم: اوه، آن قدرها هم بد نیستند! خوب درآمده‌اند. منظورم این است که شما هرگز نمی‌توانید یک فیلم کامل بسازید، اما این فیلم به خوبی کنار هم قرار گرفته است و ایده‌هایی دارد که جالب است. حدس می‌زنم این همان کاری است که می‌خواستیم انجام دهیم.»



وزارت راه و شهرسازی  
اداره کل راه و شهرسازی استان قزوین

## آگهی مزایده نوبت اول

۱۴۰۳-۲۲

**بدینوسیله به اطلاع می‌رساند اداره کل راه و شهرسازی استان قزوین در نظر دارد تعداد یک قطعه زمین با کاربری تاسیسات و تجهیزات شهری جهت احداث پمپ بتزین در شهر جدید مهرگان تحت پلاک ثبتی قسمتی از ۱۷۹۵۹ فرعی از ۳۲ اصلی بخش ۱۴ قزوین به شرح جدول ذیل از طریق مزایده عمومی و صرفاً با بهره‌گیری از سامانه تدارکات الکترونیک دولت (setadiran.ir) با شرایط ارائه شده در سامانه مذکور به فروش برساند.**

**نحوه دریافت وجه از برنده مزایده بصورت پرداخت ۶۰٪ نقدی ظرف مدت یک هفته و ۴۰٪ ظرف مدت ۳ ماه پس از اعلام به برنده در سامانه تدارکات الکترونیک دولت (setadiran.ir) می‌باشد.**

ردیف	شماره قطعه	مساحت (مترمربع)	کاربری	قیمت پایه هر مترمربع (ریال)	قیمت پایه مزایده	مبلغ سپرده شرکت در مزایده	آدرس ملک
۱	۱	۲۹۸۵/۶۵	تاسیسات تجهیزات شهری (پمپ بنزین) با مجوز احداث ۶۰۰ مترمربع اداری تجاری	۱۷۵،۰۰۰،۰۰۰	۵۲۲،۴۸۸،۷۵۰،۰۰۰	۲۶،۱۲۴،۴۳۷،۵۰۰	مهرگان، بلوار امام علی (ع) ترسیده به میدان بانو فاطمه (س) طبق نقشه ارائه شده در سامانه

**تاریخ انتشار:** ۱۴۰۳/۰۷/۱۷ و ۱۴۰۳/۰۷/۱۸

**مهلت دریافت اسناد:** ۱۴۰۳/۰۷/۱۹

**مهلت ارسال پیشنهاد:** ۱۴۰۳/۰۷/۲۹

**تاریخ بازگشایی:** ۱۴۰۳/۰۷/۳۰

**شرایط عمومی و توضیحات برگزاری مزایده / فراخوان دستگاه اجرایی**

**تاریخ بازدید:** ۱۴۰۳/۰۷/۱۹

**تاریخ اعلام به برنده:** ۱۴۰۳/۰۷/۳۰

**برگزاری فراخوان صرفاً از طریق سامانه تدارکات الکترونیک دولت بوده و کلیه مراحل فرایند مزایده شامل دریافت اسناد مزایده، ارسال پیشنهاد قیمت و اطلاع از وضعیت برنده بودن مزایده‌گران محترم از این طریق امکان‌پذیر می‌باشد.**

**کلیه اطلاعات املاک و مستغلات شامل مشخصات، شرایط و نحوه فروش در برد اعلان عمومی سامانه مزایده قابل مشاهده بررسی و انتخاب می‌باشد.**

**علاقتمندان به شرکت درفراخوان می‌بایست جهت کسب اطلاع از نحوه ثبت نام و دریافت گواهی الکترونیکی (توکن) به سایت سامانه (www.setadiran.ir) بخش ثبت نام / پروفایل مزایده گر مراجعه و با تلفن ۰۲۱-۱۴۵۶۰ داخلی ۵ تماس حاصل نمایند.**

**روابط عمومی اداره کل راه و شهرسازی استان قزوین**

شناسه آگهی: ۱۸۰۲۳۸۱

## روی صحنه

### تغییر روایتی عاشقانه به خوانشی شیطانی

تماشای دوباره «دیابولیک: رومئو و ژولیت» به بهانه سالمرگ آتیلا پسیانی



**نرگس کیانی**  
 خبرنگار گروه فرهنگ

زنده‌یاد آتیلا پسیانی را که از سال ۱۳۶۸ به همراه همسرش، فاطمه نقوی با هدف ایجاد یک گروه تجربی که ادامه‌دهنده راه کارگاه نمایش و تئاتر تجربی باشد اقدام به راه‌اندازی گروه تئاتر بازی کرد، بیش از هر چیز با همین گونه از تئاتر؛ تئاتر تجربی به یاد می‌آورد. آتیلا پسیانی که از روزگار نوجوانی توسط مادرش جمله شیخی با مقوله تئاتر در تالار ۲۵ شهرویر (سنگلج امروزی) آشنا شده بود، از ۱۶ سالگی پا به کارگاه نمایش گذاشت. آن چه در مورد تئاتر مورد علاقه او گفته می‌شود این است که اگر تئاتر استاندارد با قواعد و مشخصه‌های معین ساخته و پرداخته می‌شود، تئاتر تجربی به دنبال رسیدن به فرمول و قواعد ناشناخته است و حاضر به پذیرش شیوه‌های معین و مشخص نیست. فاطمه نقوی، همسر آتیلا پسیانی و ستاره و خسرو، فرزندانش، همچنین دوستداران آتیلا از جمله شاگردانش، این روزها نخستین سالگرد نبودن کارگردانی علاقه‌مند به چنین شیوه‌ای از تئاتر را از سر می‌گذرانند. آتیلا پسیانی، چهاردهم مهرماه ۱۴۰۲ پس از تحمل یک دوره بیماری در ۶۶ سالگی درگذشت. سالگرد درگذشت آتیلا پسیانی بهانه‌ای است برای نگاهی به یکی از بی‌شمار اجراهای او که در زمان حیاتش روی صحنه برد: «دیابولیک: رومئو و ژولیت». اثری به نویسندگی محمد چرمشیر براساس «رومئو و ژولیت» ویلیام شکسپیر که دو مرتبه، یک‌بار در سال ۱۳۹۵ و بار دیگر در سال ۱۳۹۷، هر دو بار در سالن استاد سمندریان تماشایران‌شهر روی صحنه رفت و فیلم‌تئاتر آن توسط نشر کانون فرهنگی - هنری نی‌داوود منتشر شده است.

«دیابولیک: رومئو و ژولیت» اگر چه براساس نمایشنامه «رومئو و ژولیت» ویلیام شکسپیر بازنویسی شده است اما همان‌طور که در تغییر نام اثر مشهود است، چرمشیر بستر نمایشنامه اصلی را گرفته است و در بازخوانی نو (تغییر روایتی عاشقانه به خوانشی دیابولیک یا شیطانی)، اثر را به آن چه خود و گروه تئاتر بازی می‌خواسته تبدیل کرده است تا آتیلا پسیانی در تجربه‌ای نمایشی آن را با مخاطبان خود به اشتراک بگذارد. در بازخوانی چرمشیر از پیکر اصلی نمایشنامه شکسپیر، نزاع دو خانواده و عشق دو شخصیت باقی‌مانده و با حفظ این چارچوب، تمام اجزای نمایشی فروریخته و ساختار و ساختمان نمایشی دیگری بالا می‌آید. تعدادی شخصیت حذف می‌شوند، تعدادی تغییر ماهیت و کارکرد می‌دهند و شخصیت‌های تازه‌ای افزوده می‌گردند. ضمن اینکه بخشی از بازنویسی نمایشنامه و امدا را فیلم «رومئو و ژولیت»، به کارگردانی باز لورمن است (دو خانواده رقیب که در کار فروش موادمخدر بر سر قلمرو با یکدیگر در نزاع هستند) و اتمسفر نمایش در حال‌وهوای توهم‌آلود و مخدرمحور می‌گذرد. با این حساب باید گفت، درون‌مایه اثر نیز دگرگون‌شده و مسئله شخصیت‌ها دیگر آن نیست که در نمایشنامه شکسپیر سراغ داریم. سطح دیگری که به چارچوب اثر اضافه شده، دنیای مردگان است. دنیایی که در نمایشنامه شکسپیر اثری از آن نیست. در این سطح که انجمن ارواح فارغ از اینکه چگونه کشته شده‌اند و مناسبات زمینی چگونه است، به‌دنبال راه حلی برای زندگان هستند؛ هر چند راه به‌جایی نمی‌برند. پسیانی در «دیابولیک: رومئو و ژولیت» نشانه‌های ایرانی و غربی را در هم می‌آمیزد تا جهانی ویژه خلق کند، جهانی که ظاهراً وامدار قصه مشهور «رومئو و ژولیت» است، اما منحصربه‌فرد است. موسیقی تم بومی دارد اما شخصیت‌ها ایرانی نیستند. قصه در زمان مشخصی رخ نمی‌دهد ولی نشانه‌های امروزی مثل موبایل و موزیواد، اراج به دنیای اطراف ماست. «دیابولیک: رومئو و ژولیت» اقتباسی امروزی است، نه آنقدر وامدار تازدی مشهور شکسپیر که تاژی و طراوت نداشته باشد و نه آنقدر در فاصله از منبع اولیه که بی‌هویت به‌نظر برسد. درعین حال قائم‌به‌ذات است و امتیازهایی دارد که محصول ایده‌های نویسنده و کارگردان است و تماشای دوباره آن در نخستین سالگرد غیاب آتیلا پسیانی خالی از لطف نیست.